مرا معنی و من کلم هر دو متعلق اند بنظر مراد با مور معنویست
و مراد از کلم الفاظ و عبارات المعنی و دران وقت حسان افهام
میکردند بکلام و عبارت خود از غیر آنکه خود مرئی شوند و دران
روشنائی بلند شونده بودند و دران وقت حقیقت دین محمد
علیه السلام ظاهر میشود از امور معنی و الفاظ و عبارات مادر عثمان
ابن ابی العاص گفته که در شب تولد آن حضرت پیش آمنه بودم
بهر چه نظر میکردم مثل آفتاب روشن میدیدم و صفیه بنت عبد المطلب
میگوید که دران شب نوری دیدم که بر نوع چراغ غالب بود م
عموا و صموا فاعلان الی ربهم لم یسمع و بارقة الانذار لم یسم ۳
عموا و صموا جمله سائله است در جواب سوال مقدر واقع شده
کانه شخصی سوال میکند که با وجود آنکه این همه علامات دلائل در حقیقت
دین محمد ظاهر شده بود چرا آن جماعت ایمان نیاوردند در جواب
گوییم که نابینا شدند بدان جماعت ما الا و ناشنوا شدند دلائل را
عمی نابینائی و صمم ناشنوائی و فاعلان فاعل فاعل فصیحست تقدیر کلام
چنین شود که بوکانوا اعمی و اصم فاعلان الی ربهم لم یسمع اعلام آشکار کردن

الیسا

الیسا جمع بشارت بکسر و اسم و بضم نیز آمده است و آن چیزی را گویند
از شنودن آن سروری حاصل شود فاعل لم یسمع ضمیر مستتر عاید است
باعلان و بارقه و الانذار عطف است بر اعلان و بارقه ابر برق
وار را گویند الانذار بیم دادن و اینجا بمعنی اسم فاعل داشتن
مناسبست و بر تقدیر اضافه موصوف بصفت شود یعنی ابر بیم
دهنده و تواند که بمعنی خود باشد و برین تقدیر اضافه میشود و لم
یسم نگاه کردن است تا کجا خواهد باریدن لم یسم فعل مجهول است
مفعول ما لم یسم فاعل او بارقه المعنی نابینا شدند و ناشنوا
گردیدند بسر آن جهت آشکارا کردند شنیده شد و بارقه بیم
دهنده نگاه کرده تا کجا بارد م من بعد ما اخبر الاقوام کانهم
بان دینهم المعوج لم یقم ۳ من بعد متعلق است بعموا و صموا و ما
مصدریه است اخبر خبر دادن الاقوام جمع قوم است یعنی گروه
و مفعول اخبر و کانهم فاعل او و کان خبر گوینده است از امور
عنیه و دین مضاف است بضمیر جمع که راجع با قوام اسم ان مقوم صفت
دین و اعوجاج کجی را گویند فاعل لم یقم ضمیر مستتر و عاید بدین المعنی

Copyright © King Saud University